روزنامه شرق

دوشنبه ۲ تیر ۱۴۰۴
۲۷ ذی‌الحجه ۱۴۴۶
۲۳ ژوئن ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۱۳۹
۳۰ هزار تومان
۸ صفحه

عراقچی خطاب به اروپایی‌ها:

چگونه به میز مذاکره‌ای برگردیم که اسرائیل و آمریکا نابودش کرده‌اند؟

۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: زیستن در آستانه؛ از صدای انفجار تا احیای امید • جدال سیاست و قانون در واشنگتن • سپیده برمی‌آید/ روایت یک روز و شب در جاده

استقامت زندگی در محلات تهران:

سلام دنیا، ما اینجاییم!

گزارش تبتربک را در صفحه ۷ بخوانید

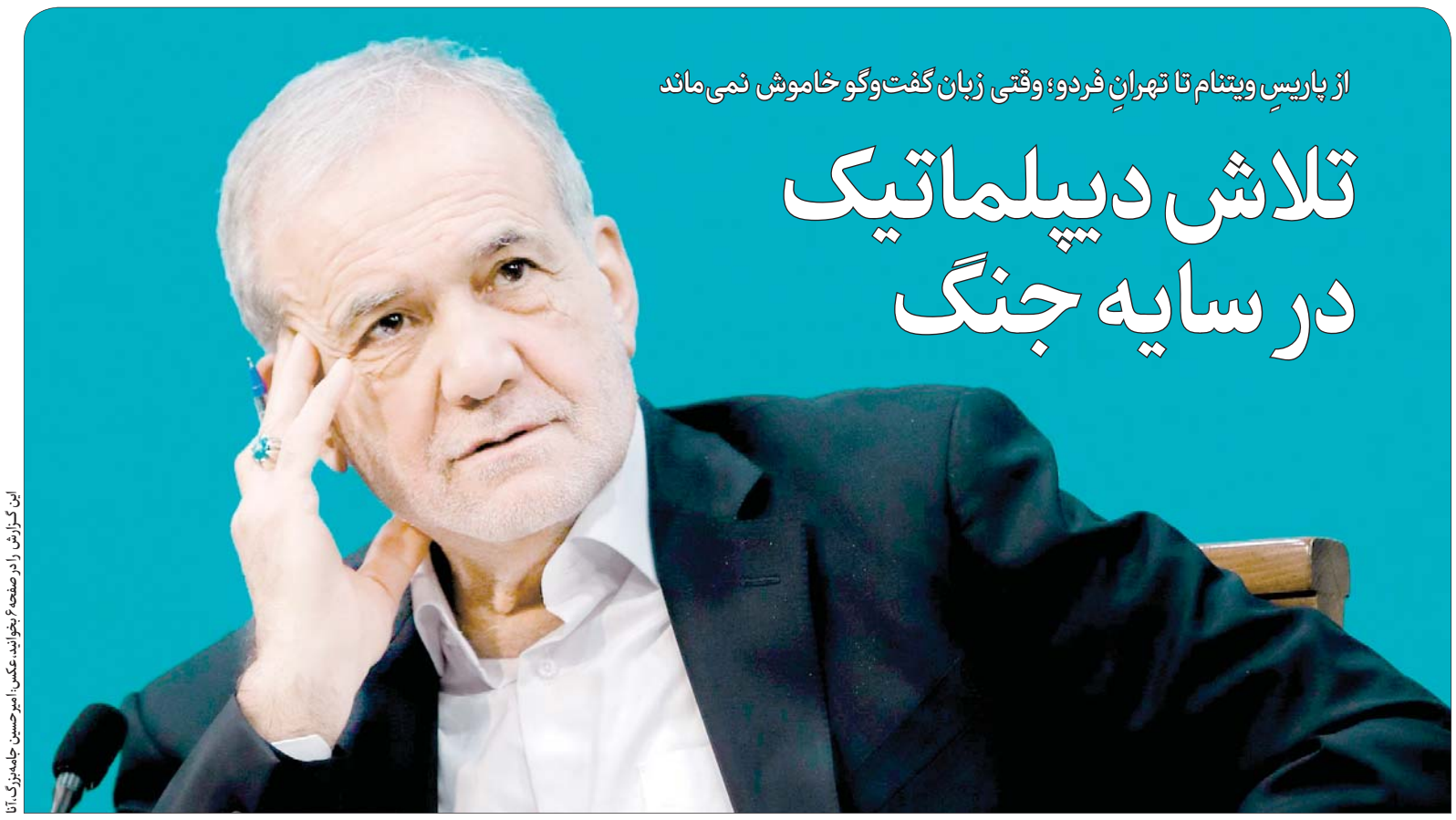

از پاریسِ ویتنام تا تهرانِ فردو؛ وقتی زبان گفت‌وگو خاموش نمی‌ماند

تلاش دیپلماتیک در سایه جنگ

این گزارش را در صفحه ۶ بخوانید. عکس: امیرحسین جامه‌بزرگ، آنا

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از شرایط مادرانی که در شرایط جنگی، اضطراب و وحشت مرگ، در انتظار تولد فرزندشان نشسته‌اند

زایمان زیر موشکباران

۴

از سایه موشک تا روشنای خاطره؛ شهر چه چیزی را به یاد می‌سپارد؟

شهرهایی که زخمی می‌شوند اما فراموش نمی‌کنند

۷

در شرایطی که آمریکا بزرگ‌ترین تولیدکننده برق هسته‌ای جهان است، مانع توسعه این مدل انرژی در ایران شده

سهم ناچیز ایران از انرژی هسته‌ای

۳

ایران با چه دشمنی طرف است؟

روان‌کاوی بنیامین نتانیاهو

۸

یادداشت

سرزمین ایران و تجاوز آمریکا

عباس آخوندی

تجاوز آمریکا به سرزمین ایران را به‌شدت محکوم می‌کنیم. این اقدام آشکارا برخلاف حقوق بین‌الملل و همچنین پیمان منع اشاعه است. فعالیت هسته‌ای ایران تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای بوده و این وظیفه آژانس و شورای امنیت سازمان ملل است که از حقوق هسته‌ای و امنیت ایران حفاظت کنند. اما اکنون می‌بینیم که تمامیت ارضی ایران از سوی رئیس‌جمهور گردن‌کش آمریکا مورد تجاوز قرار گرفته است و سازمان‌های بین‌المللی توان ایفای مسئولیت‌های حقوقی خود را ندارند. مردم ایران از خود می‌پرسند اگر آژانس انرژی اتمی توان دفاع از ایران را ندارد، تن‌دادن به نظارت‌های او چه دلیلی دارد؟ نکته مهم این است که اسرائیل نژادپرست تاب استقامت در برابر حمله‌های تلافی‌جویانه ایران را نداشت، بنابراین دست به دامن آمریکا شد. باوجوداین، در تجاوزهای ۹ روز گذشته رژیم اسرائیل و تجاوز صبح‌دم یکم تیرماه ۱۴۰۴ آمریکا به ایران خسارات فراوانی به کشورمان وارد شد. این امر پنهان‌کردنی نیست، اما اگر هدف اسرائیل تبدیل ایران به سرزمین سوخته و نهایتا تجزیه ایران است، باید گفت که کور خوانده است. ترامپ خودپرست خام‌دستانه با موج‌سواری بر تحولات خواست که کوس قهرمانی بزند. حال آنکه با این تجاوز، ترامپ تمام شد. او خود را در حد یک فرمان‌بر بی‌اختیار لابی صهیونیسم و نتانیاهوی نسل‌کش فروکاست. به هر روی، ایران یکپارچه در برابر هر تجاوز خارجی قد علم می‌کند و پایداری می‌کند. خسارات ما از رهگذر این تجاوزها بسیار فراتر از ساختمان‌ها و تأسیسات نظامی، اتمی، زیربنایی و مدنی مانند خانه‌های مردم و بیمارستان‌ها، جان‌های عزیزی است که به شهادت رسیدند و آمریکا و اسرائیل در برابر ملت ایران و تک‌تک خانواده‌های شهدای عزیز باید پاسخ‌گو باشد. کدام قانون بین‌المللی به رژیم کودک‌کش و تروریست اسرائیل اجازه داده است که در سرزمین دیگری اقدام به ترور فرماندهان نظامی و دانشگاهیان و شهروندان عادی آنان کند؟ ایران در حال گفت‌وگو با آمریکا بود که ناگاه با تجاوز اسرائیل نژادپرست با فرماندهی نتانیاهوی جنایتکار که تحت تعقیب دادگاه بین‌المللی کیفری است، مواجه شد. ترامپ آشکارا مدعی است که هر سه سایت هسته‌ای ایران را نابود کرده است. آمریکا و اسرائیل باید تاوان خساراتی را که به ایران وارد کرده‌اند، بدهند. بی‌گمان دولت ایران گزارش خسارات ناشی از تجاوز اسرائیل و آمریکا به سرزمین عزیز ایران را تهیه و به سازمان ملل ارائه خواهد کرد. و در پی احقاق حقوق خود و خانواده تک‌تک شهیدان برخواهد آمد. به هر روی ایران حق دفاع مشروع از خود را هرجا و هر زمان که لازم بداند، برای خود محفوظ می‌دارد. نکته مهم این است که با عقل و تدبیر تصمیم بگیریم و در شرایط جنگ از تدابیر فرماندهی کل قوا فراتر نرویم. زمان، زمان کاربست عقل سرد است. نه تحریک احساسات.

خدا نگهدار ایران باد. پاینده باد ایران.

یک قاب تجربه

در ستایش نیروهای مسلح و چند نکته

جلیل سازگارنژاد

پس از گذشت ۱۰ روز از تجاوز رژیم جنایتکار اسرائیل به سرزمین عزیزمان، ایران کهن و بزرگ، فرصت مناسبی است تا نسبت به بررسی ابعاد و وجوه پنهان و آشکار حملات مذکور از یک سو و عملکرد نیروهای مسلح ایران و سایر دستگاه‌های مسئول از سوی دیگر اقدام شود.

بدون تردید و به دنبال گذر از غافلگیری روز نخست تجاوز دشمن که منجر به ترور و شهادت عالی‌ترین فرماندهان نظامی و دانشمندان هسته‌ای و جمعی از مردم مظلوم و بی‌دفاع شد، نیروهای مسلح ایران با بازیابی اعتمادبه‌نفس خود و با شجاعت و شایستگی و رشادت با اقدامات متقابل و تلافی‌جویانه مؤثر و قابل ستایش شرایط را در میدان نبرد به تعادل کشیده و به سود ایران تغییر داده و موجب سرافرازی ایران و اطمینان خاطر مردم شدند. اما بررسی میدانی جنگ در داخل کشور روایتگر اتفاقات ناگوار و حیرت‌آوری است که مربوط به ایفای وظیفه سازمان‌های مرتبط است. اخبار منتشرشده از سوی رسانه‌های خبری رسمی کشور حکایت از آن دارد که سهم قابل توجه و تأملی از اقدامات و خیانت‌های صورت‌گرفته از طریق شلیک پهپادها، ریزپرنده‌ها و پرتاب مواد منفجره و خودروهای بمب‌گذاری‌شده و ترورهای ناجوانمردانه به وسیله ایادی و عوامل داخلی و خارجی درون کشور و دستیابی آنان به اطلاعات سرّی و محرمانه صورت گرفته است (متأسفانه همچنان ادامه دارد).

اینک اگر حجم گسترده دستگیری افرادی که مستقیم یا غیرمستقیم به جاسوسی یا مشارکت در حملات اسرائیل و ترور مقامات و شهروندان ایرانی دست داشته‌اند مقرون به صحت باشد، چندین پرسش اساسی را فراروی افکار عمومی و مسئولان قرار می‌دهد که:

۱- افراد دستگیر شده و نشده چرا و چگونه، در چه زمان و از چه طریق و مسیری و تحت چه برنامه و سازماندهی توانسته‌اند به صورت گسترده در ایران فعالیت امنیتی و اطلاعاتی داشته باشند و مبادرت به جمع‌آوری اخبار محرمانه و مشارکت در جاسوسی و حملات اسرائیل کنند؟ و نقش بازدارنده، کنترل‌کننده و پیشگیرانه دستگاه‌های مسئول چگونه صورت گرفته است؟

۲- اگر عوامل نفوذی موفق به رخنه در دستگاه‌ها شده‌اند، این حفره ناشی از روش‌ها و شاخص‌های گزینش در سازمان‌هاست یا صرفا مربوط به اشتباهات سهوی است؟

۳- آیا غفلت دستگاه‌ها از وظایف اصلی خود و پرداختن و مشغول‌شدن به موضوعات فرعی و مأموریت‌های سرگرم‌کننده است که موجب بسترسازی برای فعالیت‌های جاسوسی دشمن شده است؟

۴- آیا عدم هماهنگی بین دستگاهی یا تداخل در مسئولیت‌ها و احیانا رقابت‌های ناصواب یا برداشت‌های متفاوت از سوژه‌ها و موضوعات باعث فرصت‌آفرینی برای جاسوسی و یارگیری دستگاه‌های اطلاعاتی بیگانگان شده است؟

۵- انتظار می‌رفت هشدارهای دلسوزان، خیرخواهان و صاحب‌نظران ایران‌دوست در ترورهای قبلی اندیشمندان هسته‌ای مانند دکتر فخری‌زاده و چهره‌های سیاسی چون اسماعیل هنیه، دستگاه‌های مربوطه را متوجه خطر نفوذ و حضور جاسوسان و بدخواهان ملک و ملت می‌کرد و تدابیر لازم را برای پیشگیری در چنین حوادث تلخی به ویژه ترور فرماندهان ارشد نظامی و هسته‌ای اتخاذ می‌کرد.

به هرحال عرصه جنگ موجب شد اشکالات موجود در کشور آشکار شود و هشدار جدی به دستگاه‌ها و سازمان‌های مربوطه وارد کند.

گرچه در بحبوحه جنگ شاید فرصت طرح عمق اشکالات موجود نباشد و باید در فرصت مناسب به آن پرداخت و تدابیر لازم برای جلوگیری از تکرار چنین اتفاقاتی را اتخاذ کرد اما در حد اختصار شایسته است که به فوریت:

الف) نسبت به بازنگری و بازتعریف امنیت ملی و حفاظت اطلاعات و امنیت شهروندان و استقلال و تمامیت ارضی کشور اقدام شود و اولویت‌های امنیتی و اطلاعاتی و انتظامی در دستور کار سازمان‌های ذی‌ربط قرار بگیرد.

ادامه در صفحه ۳

ب) با تفکیک موضوعات اصلی و فرعی و وظایف ذاتی و حرفه‌ای سازمان‌های مختلف و تمرکز بر مأموریت‌های مهم که متضمن امنیت ملی است، اقدام شود.

یادداشت

لزوم ارائه ابتکار عمل واقع‌بینانه برای مهار بحران جنگی

احسان هوشمند

پس از ۱۰ روز از آغاز تجاوز نظامی اسرائیل، آمریکا نیز به صورت رسمی به اسرائیل پیوست و به بمباران بخش‌هایی از تأسیسات هسته‌ای ایران در فردو و نطنز و اصفهان پرداخت. اسرائیل از ابتدا هدف از تجاوز نظامی خود به ایران را تخریب تأسیسات هسته‌ای ایران و جلوگیری از دستیابی ایران به بمب هسته‌ای اعلام کرده بود. اما پس از ۱۰ روز بمباران بی‌وقفه و حملات کم‌سابقه به مراکز نظامی ایران مشخص شد حملات اسرائیل به تأسیسات زیرزمینی نطنز و فردو چندان اثربخش نبوده و در ادامه این تجاوز ارتش آمریکا نیز اقدام به بمباران مراکز هسته‌ای ایران کرد. ارتش آمریکا در حالی اقدام به بمباران فردو کرد که پیش از این ترامپ با طراحی ظاهری فرصتی برای دیپلماسی، اقدام به فریب کرده بود. حتی در دو روز گذشته نیز اعلام شد ترامپ تا دو هفته دیگر درباره ورود مستقیم به جنگ با ایران و حمله به ایران تصمیم خواهد گرفت اما هنوز دو روز از این خبر نگذشته بود که فردو هدف آمریکا قرار گرفت. به سخن دیگر در هفته‌های گذشته فریب به ابزاری برای پیشبرد سیاست‌های آمریکا در میان التهاب ناشی از حملات اسرائیل به ایران مبدل شده بود. بی‌آنکه امکانی بین‌المللی برای مؤاخذه طرف آمریکایی یا اسرائیل وجود داشته باشد.

ورود آمریکا به درگیری نظامی با ایران و حملات به فردو و دیگر مراکز هسته‌ای ایران در حالی روی داد که تجاوز اسرائیل به ایران از طرف نهادهای بین‌المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد، دبیر کل سازمان ملل متحد، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی مانند انگلیس و فرانسه و آلمان محکوم نشده بود. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد درحال‌حاضر مانعی حقوقی و مؤثر برای محکومیت یا مقابله با اقدامات تجاوزکارانه اسرائیل و آمریکا وجود ندارد. گذشته از آن حتی ابتکار عملی نیز در میانه این بحران روی میز قرار ندارد. نه کشورهای اروپایی و آمریکا و نه کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا و نه چین و روسیه تاکنون هیچ ابتکاری برای کنترل بحران ارائه نداده‌اند. در چنین شرایطی ایران نیز به حملات موشکی به اسرائیل ادامه داده است، اما از سوی ایران پیشنهاد یا ابتکار عملی که به مدیریت بحران ختم شود، هنوز عرضه نشده است. در چنین شرایطی ممکن است دامنه بحران گسترش یابد و به تشنجی مهارناپذیر مبدل شود. پس از حملات شامگاه یکشنبه یکم تیرماه آمریکا به فردو و چند نقطه دیگر از ایران، گروهی به‌سرعت خواهان واکنش متقابل و حملات تلافی‌جویانه ایران و حتی بستن تنگه هرمز شده‌اند. اما این گروه برای اقدامات بعدی و وضعیت بعدی منازعه و پیامدها و سناریوهای متعاقب این وضعیت سکوت کرده‌اند. از سوی دیگر از طرف دولت و نیز نیروهای اصلاح‌طلب هیچ ایده یا ابتکار عملی برای مهار بحران پیشنهاد و طرح نشده است. در دوره انتخابات ریاست‌جمهوری گروه‌های اصلاح‌طلب حامی آقای پزشکیان با این گزاره برای جلب اقبال افکار عمومی اقدام کردند که در صورت پیروزی آقای جلیلی جنگ روی می‌دهد. اینکه این گزاره چه اندازه درست بود یا خیر، موضوع این یادداشت نیست. اما اینک که شرایط جنگی بر کشور حاکم شده و ایران مورد تجاوز نظامی اسرائیل و آمریکا قرار گرفته، باید راهبرد صلح‌طلبانه و کاهش تنش از سوی این گروه از اصلاح‌طلبان مورد توجه قرار گیرد. به سخن دیگر اینک که کشور با شرایط جنگی مواجه شده، راهبرد پیشنهادی اصلاح‌طلبان و دیگر نیروهای سیاسی کشور برای گذر کم‌خطر و بازگشت صلح و آرامش به کشور چیست؟ آیا ایده‌ای طراحی شده است؟ یا اینکه اصلاح‌طلبان مانند برخی جریان‌های رقیب نیز معتقدند تشدید درگیری‌های نظامی و حتی آزمایش بمب اتمی می‌تواند منافع کشور را تضمین کند؟

اگرچه نهادهای بین‌المللی با سکوت و حتی همراهی ضمنی با حملات اسرائیل تاکنون از ارائه هر نوع ابتکار عملی خودداری کرده‌اند و از دیگر سو برخی از کشورها یا جریان‌ها نیز جنگ و افزایش تنش و درگیری را تنها راه‌حل گذر از بحران موجود می‌دانند، ضروری است که نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب و دیگر جریان‌های سیاسی یا نیروهای ایران‌خواه با ارائه ابتکار عمل واقع‌بینانه و مبتنی بر مصالح ملی راه‌حل خود برای عبور از این پیچ خطیر تاریخی را ارائه دهند. سکوت در برابر بحران پیش‌رو و احتمال افزایش تنش و دامنه جنگ می‌تواند مخاطرات سهمناکی برای منطقه در پی داشته باشد. فراموش نکنیم که همیشه در برابر حمله متجاوزان و تحمیل جنگ، راه‌حل در جنگ خلاصه نمی‌شود و گاه راه‌حل‌های مبتکرانه و صلح‌طلبانه و عادلانه و مبتنی بر مصالح و منافع ملی و در نظر گرفتن همه ملزومات می‌تواند واقع‌بینانه‌تر باشد. ظرفیت‌های دیپلماتیک کشور هم دراین‌باره باید بیش‌ازپیش در تدارک ارائه چنین ابتکار عمل‌هایی با مشارکت نیروهای اندیشمند در داخل کشور و همراهی کشورهای دوست یا دیگر قدرت‌های جهانی باشد.

یادداشت

بازی با دم شیر

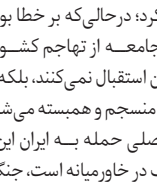

کاظم موسوی بجنوردی

رئیس مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی

وقتی جوان بودم، تحت تأثیر جهان دوقطبی آن زمان و نفوذ شدید اندیشه‌های چپ قرار داشتم. جنبش‌های ضد استعماری هم در نقاط گسترده‌ای از جهان در جریان بود. در بسیاری از کشورهای مسلمان نیز جنبش‌های اسلامی با هدف احیای اسلام و مبارزه با نفوذ فرهنگی و سیاسی غرب رو به گسترش بودند. درنتیجه مانند بسیاری دیگر از مردم، به جهان غرب و مدل توسعه غربی بدگمان بودم. سال‌ها گذشت تا فهمیدم اندیشه غرب تماما باطل نیست و حرف‌های بسیاری برای زدن دارد و ما به‌عنوان ایرانی و مسلمان لازم است درعین‌حال که باید استقلال خودمان را حفظ کنیم، با جهان غرب نیز در تعامل باشیم. امروز شکی ندارم که غرب‌ستیزی برخلاف منافع و مصالح ملی ایران است، اما اینکه امروز اسرائیل، این عروسک امپریالیسم آمریکا، بخواهد به ایران تعرض و تجاوز کند، داستان دیگری است و باید به‌شدت تنبیه شود. ما ایرانی‌ها در طول تاریخ هیچ‌گونه تضادی با یهودیان نداشته و نداریم و آنان را محترم می‌شماریم. اما دولت فعلی اسرائیل که شاید تندروترین و وقیح‌ترین دولت تاریخ این رژیم است، بعد از آنکه در ۱۹ ماه گذشته با شنیع‌ترین جنایت‌ها، تصاویری آخرالزمانی از غزه به مردم جهان نشان داده، اینک دست خون‌آلود خود را به سمت ایران‌زمین دراز کرده است. اینان قوم پراکنده‌ای بوده‌اند که از چهار گوشه جهان در پی آرمان ساختگی صهیونیسم جمع شده‌اند و به خیال ناپخته خود می‌توانند صرفا با تکیه بر حمایت دولت آمریکا و دولت‌های اروپایی و بدون درنظرگرفتن احساسات مسلمانان در قبال فلسطین و در رأس آن بیت‌المقدس، به حکومت خود بر سرزمین‌های اشغالی ادامه دهند. اینان فکر نمی‌کنند که در قلب جهان اسلام قرار دارند و باید عکس این رفتار را می‌داشتند و به سرنوشت امپراتوری بیزانس می‌اندیشیدند که وقتی به‌تدریج در درون جهان اسلام قرار گرفت، در نهایت به دست مسلمانان ساقط شدند.

ادامه در صفحه ۳

سرمقاله

جنگ نهایی

حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

گمان برده می‌شود جنگ در خاورمیانه جنگ سرنوشت‌ساز برای بشریت است. حتی در رمان و فیلم فانتزی ارباب حلقه‌ها و هابیت نیز نزاع نهایی در سرزمین میانه درمی‌گیرد. پنداشته می‌شود جنگ نابودگرانه در سرزمین میانه برای صلحی هزارساله است. جنگی است که در آن سرنوشت بشر رقم می‌خورد. این تلقی از جنگ، باب جنگ‌های بسیاری را می‌گشاید و از نو برقرار می‌کند. براساس‌این خشونت بزرگ علیه بشر شروع می‌شود. آلن بدیو، فیلسوف فرانسوی، در کتاب این قرن می‌گوید دیگر ما با جنگ به معنی هگلی آن سروکار نداریم. حمله ناپلئون بناپارت به آلمان برای هگل برسازنده خودآگاهی گروهی از مردم آلمان بود. از نظر هگل، جنگ آگاهی می‌آفریند؛ به‌ویژه آگاهی ملی. هگل به‌همین‌دلیل از حمله ناپلئون به کشور خودش استقبال کرد؛ درحالی‌که بر خطا بود. گروه‌های مختلف جامعه از تهاجم کشوری دیگر به سرزمین‌شان استقبال نمی‌کنند، بلکه برای کمک به همدیگر منسجم و همبسته می‌شوند.

ایده اصلی حمله به ایران این است که آخرین جنگ در خاورمیانه است، جنگی است که از جنگ بزرگ جلوگیری می‌کند. تصور می‌کنند مسئله اصلی پایان‌بخشیدن به چیزی است که فجایع عظیم می‌آفریند. گویی جنگ را فقط با جنگ می‌توان متوقف کرد. با چنین نگاهی همیشه جنگ دیگری ضروری است. همیشه گفته می‌شود این جنگ آخرین خواهد بود. برای صلح همیشگی باید جنگ بزرگی آغاز شود. مائو چنین جنگی را جنگی انقلابی نامید یا هگل آن را جنگ آگاهی‌بخش معرفی کرد.

سؤال دیگری مطرح می‌شود و آن این است که چگونه می‌توان جنگ عادلانه/ناعادلانه، جنگ خوب/جنگ بد را توضیح داد. جنگ عادلانه جنگی است که ناعادلانه‌ها را پایان می‌دهد و جنگ خوب، جنگی است که بدها و شرارت‌ها را متوقف می‌کند، اما مسئله این است که چگونه این مفاهیم برساخته می‌شوند.

ادامه در صفحه ۵